



بررسی نقش ساختمان‌های مدرن در ایجاد حس خاطره‌انگیزی؛ نمونه موردی شهر رشت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

کد مقاله: ۶۳۴۳۰

میثم گلرخ سیاه‌رودی^۱، محمدرضا فاروقی^۲

چکیده

بناهای مدرن بدلیل ماهیت متفاوت با گذشته می‌توانند از اجزای هویت‌ساز در فضاهای شهری محسوب شوند که در رابطه‌ی مستقیم با درک شهروندان از هویت شهر، نقش ایفا می‌کنند. نگرش پدیدارشناسانه بدلیل داشتن وجه نشانه‌شناسانه در خوانش صحیح از حس مکان و وجه هستی‌شناسانه در خوانش صحیح از روح مکان، می‌تواند دلایل شکل‌گیری مفهوم مکان و هویت فضاهای شهری را با توجه به زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی در ذهن شهروندان، هویدا نماید. جهان مدرن بدلیل ماهیت متفاوت با جهان سنت علاوه بر زدودن معنا از زندگی انسان‌ها، معنای جدیدی نیز به زندگی آنها بخشیده که نیازمند واکاوی است. پژوهش حاضر با نگرشی پدیدارشناسانه به بررسی ساختمان‌های مدرن در شهر رشت و نقش آن در ایجاد حس خاطره‌انگیزی در نزد شهروندان می‌پردازد و رابطه میان شهروندان با فرایند شکل‌گیری خاطره، در ساختمان‌های مدرن و به تبع آن هویت‌مندی آنها را مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش، معیارهای نشانه‌های شهری، بر مبنای آراء پدیدارشناسان گردآوری شده و با طرح مصاحبه با شهروندان مبتنی بر، خاطره‌انگیزی در بناهای مدرن، به تحلیل آن پرداخته و عوامل ماهیتی دنیای مدرن را با تغییر و افزایش آگاهی همراه می‌داند و روح مکان در فضاهای مدرن را وابسته به زمان می‌داند.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، مکان، خاطره‌انگیزی، مدرن، رشت.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری؛ دانشگاه گیلان. (نویسنده مسئول) Meysamgolrokh@gmail.com

۲- استادیار دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه گیلان. Faroughi@guilan.ac.ir

این مقاله، با هدف دستیابی به نتایجی در زمینه‌ی بررسی ساختمان‌های مدرن، بعنوان عاملی در ایجاد حس خاطره‌انگیزی در ذهن مردم شهر رشت می‌باشد و برآنیم به بررسی ارتباط با معنا و نحوه‌ی شکل‌گیری آن میان مردم شهر رشت و ساختمان‌های برپا شده در دوران مدرن و تاثیر آن بر ایجاد حس خاطره‌انگیزی ساکنان شهر رشت بپردازیم. بدلیل بروز نقدهایی بر مدرنیته و ترویج شیوه‌های پسامدرنی در معماری، بسیاری از معماران، نازآمده و بدون تحقیق اقدام به رد معماری مدرن و مینیمال و استفاده از الگوهای غیر کاربردی سنتی می‌پردازند که نه تنها به حل بحران هویت بناها کمک نمی‌کند بلکه آنها را در بحران هویتی نوینی بر مبنای عدم درک ویژگی‌های جهان پسامدرن گرفتار می‌نماید. بدین دلیل در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از درک شهروندان از مکان‌های خاطره‌ساز و همچنین بررسی بناهای مدرن که در دوران معاصر ساخته شده به این موضوع پرداخت که با توجه به اینکه معماری مدرن خود به بخشی از سنت و خاطره مبدل گشته و عملکرد و سرعت، بخش جداناپذیری از معماری معاصر است، با کاربست این نتایج به درک درستی از جهان پسامدرنی می‌رسیم که منجر به تبیین معماری معاصر مطابق با روح عصر حاضر می‌گردد. بر این اساس رویکرد پژوهشی این مقاله، پدیدارشناسانه انتخاب گردید، که بنا به ذات مسأله‌ی پژوهش دارای ماهیت توصیفی-تحلیلی است، و هرگونه تحلیل و تفسیر در زمینه‌ی چگونگی شکل‌گیری معنا در فضاهای زیستی انسان‌ها، بدلیل ماهیت تجربی و کیفی آن، حتی اگر فضای مورد مطالعه کمی باشد، ما را بسمت روش پدیدارشناسی رهنمون می‌گرداند، که حاوی بخشی از مسأله و تحلیل و تفسیر مسأله و حل مسأله بصورت رابطه‌ای و توأمان در تفسیر و تحلیل نهایی می‌باشد. همچنین در این مقاله برآنیم با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و با کمک گرفتن از آراء اندیشمندان پدیدارشناس، به تحلیل و توصیف و تبیین ارتباط ما بین عناصر مکان و فضاهای کمی شکل گرفته‌ی مدرن در شهر رشت، بعنوان عاملی در ایجاد هویت مکانی و حس خاطره‌انگیزی در بین شهروندان بپردازیم. به نظر می‌رسد رویکرد پدیدارشناسانه با توجه به ماهیت کیفی خود و نظر به آراء پدیدارشناسانی چون هایدگر که آگاهی کنونی را محصول شکل‌گیری پیوسته، در بستر تاریخی و آگاهی‌های امروزین بشر می‌داند، می‌تواند روشنگر ارتباط معنا‌داری بین تجربه‌ی زیسته‌ی مردم شهر رشت و ساختمان‌های مدرن گردد.

۲- روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و روش دیگر جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش میدانی است و جامعه‌ی آماری در این پژوهش، شامل مردم بومی رشت و یا ساکن شهر رشت می‌باشند و روش نمونه‌گیری در این پژوهش، در دسترس می‌باشد و حجم نمونه مورد نیاز ۱۰۴ نمونه تعیین گردیده است که شامل ۵۲ زن و ۵۲ مرد است و گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌ی نیمه ساخت دار با شهروندان و پردازش آن‌ها در این پژوهش از طریق نرم‌افزار (SPSS) انجام شده است. یادآوری می‌گردد مقاله‌ی حاضر براساس هدف از نوع کاربردی و براساس میزان کاربرد مستقیم یافته‌ها و درجه‌ی تعمیم‌پذیری آن از نوع ارزیابی و براساس میدان عمل، تحقیق نظری-کتابخانه‌ای و میدانی است و براساس ماهیت و روش پژوهش، توصیفی-کیفی و روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری و هرمنوتیکی است.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- پدیدارشناسی در معماری (مکان)

اصطلاح «پدیدارشناسی»^۱ با «ادموند هوسرل» تبدیل به «رویه‌ای توصیفی»^۲ می‌گردد که بر این اساس نظم واره‌ای است که درصدد توصیف چگونگی تکوین جهان و تجربه‌مندی آن از طریق آگاهی می‌باشد. رویکرد «پدیدارشناسی هوسرل» مبتنی بر قواعدی است که به آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- «توجه دقیق به اشیا آنگونه که بر ما ظاهر می‌شوند»؛ و ۲- «تحلیل پدیدارشناسانه به معنای عدول از روش‌های معمول و کنارگذاری فرض‌های رایج»؛ و ۳- «توصیف پدیده‌ی مورد نظر و نه توضیح آن»؛ و ۴- «هم‌ترازی پدیده‌ها به این مفهوم که پدیده‌ها به طور برابر واقعی انگاشته شوند». رویکرد پدیدارشناسی را می‌توان بر اساس نوع و چگونگی دیدگاه به دو دسته تقسیم کرد: ۱- پدیدارشناسی به مثابه جریان «شناخت شناسانه»^۳؛ ۲- پدیدارشناسی به مثابه جریان «هستی شناسانه»^۴. در آن دیدگاه هوسرلی یک جریان شناخت‌شناسانه و دیدگاه هایدگری یک دیدگاه هستی‌شناسانه است. عدم التفات هوسرل به «تاریخمندی»^۵ و «واقع بودگی»^۶ و «زمان مندی»^۷، هایدگر را بر آن داشت تا در کتاب «هستی و زمان»، روش

1- phenomenology

2- Expression Approach.

۳ برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۸۰) پدیدارشناسی و فلسفه‌ی آگزیستانس، تهران، موسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.

۴- برای اطلاعات بیشتر رک: احمدی، بابک (۱۳۸۱) هایدگر و پرسش بنیادین، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، صص ۲۱۱-۳۴۳ و می‌توانید رجوع کنید به احمدی، بابک (۱۳۸۱) هایدگر و تاریخ هستی، تهران، نشر مرکز، صص ۱۸۱-۳۸۹.

5 - Historicity

6 - Facticity

7 - Temporality

پدیدارشناسی را منطبق بر روش هرمنوتیکی سازد که در این رویکرد مبنای دانش هرمنوتیک، نه در فعالیت ذهن شناسنده، بلکه در واقع‌بودگی جهان و تاریخ‌مندی فهم قرار دارد. زمینه‌های چپستی و شکل‌گیری فلسفه‌ی پدیدارشناسی سیر تاریخی رویدادهای پس از رنسانس نشان می‌دهد «از طریق علوم در پانصد سال گذشته، باور به این که زندگی کردن، احساس کردن و فکر کردن از طریق جسم مکانیکی و سیستم‌های بدنی، قابل اندازه‌گیری است» به مثابه‌ی مبنای علم جدید پذیرفته شده است. در چنین «زندگی واقعی انسان‌ها که مشحون از احساسات، شرایط هیجانانگیز و روابط متقابل و پیچیده‌ی بین آنهاست، مورد چشم‌پوشی قرار گرفت یا به مثابه اموری غیر منطقی کنار در حوزه‌ی هنرها نیز این گذاشته شد» (پرتوی، ۱۳۸۲، ۲۶).

۳-۲- پدیده مکان

افشار نادری (۱۳۷۸:۴) مکان را بخشی از فضای طبیعی و ساخته شده می‌داند که دارای محدوده‌ی مشخصی بلحاظ مفهومی و مادی است و مدنی‌پور (۱۳۷۹:۳۲) مکان را بخشی از فضا می‌نامد که به وسیله‌ی چیزی اشغال شده و دارای ارزش و معنای خاص است. در دیدگاه شولتز مکان بخش کاملی از وجود است و در دیدگاه سیمون (۱۹۸۲:۱۳۰) مکان نه تنها معرف یک مکان جغرافیایی است، بلکه مؤید کاراکتر اصلی یک جا است که موجب تمایز با سایر جاها است. از دیدگاه عارفی (۱۹۹۹) مکان تأویل و تفسیر مشخصی ندارد و مقیاس‌های متنوعی را شامل می‌گردد و معنای یکسانی نزد همه‌ی مردم ندارد؛ برخی آن را واجد ارزش احساسی، فرهنگی و تاریخی می‌دانند که در هویت‌های متفاوتی تبلور می‌یابد. همچنین «عارفی» از مکان بدون مرز و قابل اتساع نیز نام می‌برد و معتقد است مفهوم مکان در طی سده‌ی گذشته از تلقی رایج، به عنوان جایی که دارای محدوده‌ی معینی است به چیزی گسترده‌تر تغییر یافته است. مرلوپوتنی مکان را بیش از هر چیزی یک ساختار می‌داند ادوارد رلف در کتاب «مکان و بی مکانی» به نقل از سیمون^۱ (۱۹۹۶:۵) خاصیت اصلی مکان را در نظم‌دهی و تمرکز بر مقاصد، تجربه و رفتار بشری به طور فضایی نهفته می‌داند (پرتوی، ۱۳۹۴). از نظر لاکرمن^۲ (۱۹۶۴) مفهوم مکان شامل ۶ بخش است: (۱) ایده‌ی محل؛ در قالب خصوصیات درونی و ارتباط‌پذیری خارجی با سایر محل‌ها سنجیده می‌شود؛ (۲) استلزام به ائتلاف و یکپارچگی عناصر طبیعت و فرهنگ؛ نظم خاص اثر جمعی هر مکان که آن را با سایر مکان‌ها متفاوت می‌کند؛ (۳) اجزای یک شبکه‌ی گردشی؛ هر مکان منحصر به فرد است ولی از طریق سیستمی از تعاملات و تبادلات با یکدیگر مرتبط هستند؛ (۴) مکان محلی شده؛ مکان‌ها بخشی از محدوده‌های بزرگتر در کانون‌هایی با یک سیستم محلی کننده هستند؛ (۵) پدیداری مکان؛ ظهور مکان‌ها در رابطه با تغییرات تاریخی و فرهنگی؛ (۶) معنامندی مکان؛ تشخیص مکان‌ها توسط باورهای انسان (رلف، ۲، ۱۳۸۹).

۳-۳- هویت و مکان

اگرچه امکان کسب اطلاعات فراوانی راجع به هویت مکان با ملاحظه مؤلفه‌های اصلی وجود دارد، اما مسلم است که هویت صرفاً محصول این قبیل مؤلفه‌ها نبوده بلکه ساختار اجتماعی دارد. به عبارت دیگر هویت، تابع فرد، گروه و تصور اجتماعی آن مکان است. به عقیده لویچین^۵ (۱۹۶۶) و کوکلمانز^۶ (۱۹۶۱) ادغام تجربه‌ی عاطفه، تخیل وضعیت فعلی و آتی ممکن است به قدری متنوع باشد که بتواند مکان خاصی را به روش‌های متفاوت رؤیت کند (رلف، ۱۳۸۹). رلف^۷ (۱۹۷۶) معتقد است مکان‌ها با توجه به درجه‌ای که فرد حس می‌کند در داخل مکان قرار دارد، واجد معنایند (پرتوی، ۱۳۹۴). در پدیدارشناسی محیط و مکان سه موضوع اصلی مورد آزمون قرار دارد: (۱) خصوصیات اساسی و ارتباطات درونی تجربه‌ی محیطی؛ (۲) خصوصیات اصلی محیط، نظیر صدا، توپوگرافی، نور و کیفیات فضایی که موجب ارتقای کاراکتر خاص مکان و چشم‌انداز می‌شود؛ (۳) زمینه‌های ارتباط انسان با محیط و ارتقای بصیرت‌ها و دیدگاه‌ها در زمینه‌ی نوعی از طراحی و برنامه‌ریزی که بیشتر با روح مکان در تماس است (سیمون، ۱۹۹۵: ۸ و ۸).

۳-۴- پدیدارشناسی فضا

هایدگر در مقاله‌ی «ساختن، باشیدن، اندیشیدن» درباره‌ی فضا را محلی می‌داند که برای منزل کردن اختصاص یافته است و معتقد است هر فضایی، چیزی است که به آن جایی داده شده باشد، به چیزی اختصاص یافته باشد، یعنی درون حد و مرزی باشد (۱۳۷۹:۷۳). هایدگر در زمینه‌ی ارتباط فضا با زمان، در کتاب هستی و زمان به هم تراز بودن فضا و زمان اعتقاد نداشت و فضاوندی دازاین را متکی به زمان‌مندی او می‌دانست (این وود، ۱۹۹۹: ۲۲۳). نظر استفانوویچ (۱۹۹۴) در این باره بر این است که فضا در جایی قرار دارد که زمان هست و این جزء تشکیل دهنده و مؤلفه‌ی زمانی، به فضا ساختار می‌دهد و از این رو، می‌توان در آن به طور آگاهانه

1 - David Simon
2 - Luckermann
3 - Edward Relph

۴ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به پرتوی، پروین (۱۳۹۴) پدیدارشناسی مکان، تهران: مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، صص ۷۲-۷۴.

5 - Luijpen
6 - Kockelmans

۷ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به رلف، ادوارد (۱۳۸۹) مکان و بی مکانی، تهران: نشر آرمانشهر، چاپ چهارم، صص ۳ و ۳.

۸ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به رلف، ادوارد (۱۳۸۹) مکان و بی مکانی، تهران: نشر آرمانشهر.

و با محاسبات، مداخلات انجام داد و آن را اندازه‌گیری نمود و برای آن برنامه‌ریزی کرد. فضا در زمان قرار دارد و فضای زیسته ممکن است ایستا یا پویا باشد که معنای آن در طول زمان تغییر می‌کند. ادوارد رلف معتقد است که فضا نه در ذهن است، نه در جهان، بلکه به‌عنوان بخشی از تجربه‌ی روزمره ما در جهان است. از دیدگاه وی هستی انسان، فضایی است و این فضایی بودن، ویژگی‌هایی چون نزدیکی، جدایی، فاصله و جهت را به منزله‌ی روش‌های هستی در بر می‌گیرد (رلف، ۲۰۰۰: ۲۶).^۱

مهم‌ترین عوامل تعریف‌کننده‌ی فضا از دیدگاه پدیدارشناسی عبارت‌اند از: (۱) دیالکتیک عرصه‌ی درونی و عرصه‌ی بیرونی؛ (۲) حصار و مرز؛ (۳) مرکزیت (پرتوی، ۱۳۹۴).

۳-۴-۱- دیالکتیک درون و برون

معمارنوژی، ایونسن، در کتاب صورت‌های نوعی در معماری سه عنصر؛ کف، دیوار و سقف را به‌عنوان عنصر معمارانه‌ی مشترک در همه‌ی سنت‌های تاریخی و فرهنگی بیان می‌کند و زمینه‌ی وجودی در مورد این سه عنصر را ارتباط مابین درون و برون معرفی می‌کند. وی بیان می‌کند که سبک‌های متنوع معمارانه و سنت‌های فرهنگی دیالکتیک میان درون و برون را از طریق درجات متنوعی از گشودگی بیان می‌نماید و سیمون (۱۹۹۸) معتقد است یک عرصه‌ی درونی در مقابل یک عرصه‌ی بیرونی موجب شکل‌گیری مکان و اسکان افراد و گروه‌ها می‌گردد. البته لازم به ذکر است که سنت‌های فرهنگی و اعتقادات و جهان‌بینی انسان‌ها، موجب نگاه‌های متفاوتی به مقوله‌ی درون و برون می‌گردد. نوربرگ شولتز (۱۳۵۳: ۴۳ و ۴۴) نیز معتقد است شرط اساسی حضورپذیری و سکنی‌گزینی بشر در تعریف صحیح درون و برون است. گوردون کالن (۱۳۷۷: ۹۰۸) از تاثیرات گوناگون جسمانی روانی و جسمانی در فضای درون و برون سخن می‌گوید از این رو مطالعات پدیدارشناسانه‌ی مکان به طور وسیعی در ارتباط مابین درون و برون مورد توجه است. ادوارد رلف (۱۹۷۶) در کتاب مکان و بی مکانی در درون بودن را کیفیت بسیار مهم می‌داند که در ارتقای ماهیت فضا به مکان تاثیرگذار است، کیفیتی اصیل برای ابقاء حس باشیدن و حضورمندی. سیمون (۱۹۹۶: ۶) سلسله مراتب هفت‌گانه‌ی را از نظر رلف بیان می‌کند: (۱) عرصه‌ی درونی وجودی: موقعیتی که در برگرفته‌ی حس وابستگی و راحتی در مکان است؛ (۲) عرصه‌ی بیرونی وجودی: موقعیتی که شخص حس می‌کند جدا از مکان یا خارج از آن است؛ (۳) عرصه‌ی بیرونی هدفمندانه: موقعیتی دربرگیرنده‌ی نگرش سنجیده و بی‌طرفانه‌ی جدایی از مکان است؛ (۴) عرصه‌ی بیرونی ضمنی: موقعیتی که در آن، مکان صرفاً جایگاه پس زمینه‌ی برای نوعی فعالیت است؛ (۵) عرصه‌ی درونی رفتاری: موقعیتی که در برگرفته‌ی دقت و توجه سنجیده و حساب شده به ظاهر مکان است؛ (۶) عرصه‌ی درونی توأم با همدردی و همدلی: موقعیتی که در آن شخص به‌عنوان یک فرد خارجی و بیرونی تلاش می‌کند مکان را عمیقاً بشناسد و بفهمد؛ (۷) عرصه‌ی درونی غیر مستقیم: موقعیتی از درگیری عمیقاً دست دوم که طی آن شخص از طریق تصور و تخیل مکان ارتباط برقرار می‌کند.^۲

۳-۴-۲- قلمرو و مرز

آشی‌هارا (۱۹۸۳: ۶۷) معتقد است کاراکتر بیرونی یک بنا، کاراکتر منظر شهری اطراف آن بنا را نیز به خوبی مشخص می‌کند و خط مرزی به‌عنوان جداکننده‌ی فضای داخلی و بیرونی نقش تعیین‌کننده‌ی در این جداسازی ایفا می‌کند. مرز نظم فضایی ایجاد می‌کند و نهایت کیفیت فضایی را به وسیله‌ی آن ایجاد می‌شود را تعیین می‌نماید. هایدگر (۱۳۷۹) معتقد است مرز شروع به حضور بعضی چیزهاست نه توقف آن‌ها؛ و شولتز (۱۹۹۷: ۴۱۹) معتقد است، خواص محصورکنندگی مرز به وسیله‌ی بازشوهای آن معین می‌گردد و مرز به طور کلی و دیوار به طور خاص در زمینه‌هایی چون جهت، ریتم و تداوم هویدا می‌سازد. مرز ممکن است به معنای مظهر یک تفاوت نیز درک گردد. هایدگر در تحلیل خود از شعر یک شب زمستان تراکل^۳، نشان می‌دهد که چگونه یک یک آستانه، به‌طور هم زمان بیرون و درون را ازم جدا می‌کند و هم وحدت می‌بخشد. در هر حال وجود انواع تقسیمات امری ضروری است و به نقل از شولتز (۱۳۵۳: ۱۲۴) حدود محدود و مشخص سیستمی از نظم و ترتیب ایجاد می‌کند. به باور هی^۴ (۱۹۹۲) برخوردار از قلمرو، معمولاً با حس مکان آمیخته است و حس مکان نیاز مشترک در همه‌ی جوامع بشری است؛ حسی از زندگی در محیطی که دارای مرزهای مشخص و هویت است. رپوپورت (۱۹۷۷: ۲۷۸ و ۲۷۹) معتقد است قلمرو در واقع نواحی یا ناحیه‌ای است که به‌طور فیزیکی یا از طریق برخی نمادها و مقررات، ناحیه‌ی متعلق به یک فرد یا گروه را معرفی می‌نماید. نمادهایی مانند دیوارها و نرده‌ها و تغییرات بافت و رنگ یا نحوه‌ی استفاده از منظر و چشم‌انداز. در واقع مرزها و قلمروهای فضایی، تشریحی است از حصارهای مفهومی و اجتماعی و حوزه‌هایی که وابسته به فضای رفتاری مردم است و برقرارکننده‌ی قلمروهای گروهی است که ماهیت و اهمیت آن بدان وابسته است.^۵

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به رلف، ادوارد (۱۳۸۹) مکان و بی مکانی، تهران: نشر آرمانشهر، صص ۸۸-۹۱.
۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به پرتوی، پروین (۱۳۹۴) پدیدارشناسی مکان، تهران: مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، صص ۹۱-۱۰۰.

3 -Trackle

4 -Hay

۵ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به پرتوی، پروین (۱۳۹۴) پدیدارشناسی مکان، تهران: مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، صص ۱۰۰-۱۰۵.

۳-۴-۳- محصوریت مرکزیت

شولتز (۱۹۹۶: ۴۱۹) بیان می‌کند که فضاها درجه‌ی متنوعی از بسط و توسعه و حصار را در برمی‌گیرند که هر حصار به مرکز تبدیل می‌شود که ممکن است نقطه‌ی کانونی اطراف خود هم نباشد و این در واقع مبین ارتباط درون و برون به‌عنوان اولین جنبه‌ی فضای واقعی می‌باشد. شولتز در کتاب معنا در معماری غرب، ایده‌ی مرکز به مثابه‌ی مرکزیت جهان را مطرح می‌کند و معتقد است؛ هر مکانی که در آن معنا آشکار می‌گردد، یک مرکز است. کلیه‌ی مراکز، محل‌هایی برای انجام فعالیت‌های ویژه هستند؛ محل‌هایی برای مراودات اجتماعی مانند منزل اقوام و دوستان.. از دیدگاه شولتز (۱۹۹۶: ۴۱۸) ویژگی اصلی مکان‌های مصنوع، تمرکز و حصار است و چنین مکان‌هایی را یک درون به حساب می‌آورد. این مکان‌ها گشودگی‌هایی دارند که با بیرون ارتباط برقرار می‌کنند.^۱

۳-۵- کاراکتر مکان

در توصیف پدیده‌ی مکان با رویکرد پدیدارشناسانه ضمن تاکید بر مفهوم مکان به منزله‌ی فضای زیسته، مکان شامل دوجزء اساسی است. (۱. فضا؛ ۲) کاراکتر.

درباره‌ی عوامل اصلی ایجاد کننده‌ی فضا، از جمله دیالکتیک درون و برون، قلمرو و مرز، محصوریت و مرکزیت به بین پرداختیم. جزء دوم مکان، یعنی کاراکتر دارای زیر مجموعه‌هایی شامل شناسایی و جهت‌یابی است که نتیجه‌ی آن حس مکان است. کاراکتر، مفهوم واقعی و کلی‌تری از مفهوم فضا دارد و می‌توان آن را به نوعی هویت، جاذبه، تنوع و ویژگی تاریخی و هرگونه شخصیت خاص و روحی که یک مکان را از مکان دیگر متمایز کند و مکان را دارای معنا نموده و بر تجربه‌پذیری آن بیافزاید تعریف نمود.

شولتز (۱۹۷۵: ۴۲۵ و ۴۲۶) در بررسی مفهوم کاراکتر در تاریخ معماری و شهرسازی بیان می‌کند که کاراکترها را وابسته به زمان می‌داند و معماری را به‌عنوان تاریخ فرم‌های معنادار مورد مطالعه قرار می‌دهد. از طریق مفهوم مفاهیم سطوح محیطی چشم‌انداز، سکونت‌گاه و خانه بیشتر جنبه‌ی واقعی پیدا می‌کند. وظیفه‌ی اصلی معمار و شهرساز ایجاد مکان‌های دارای کاراکتر خاص و واجد معنی است؛ زیرا بدون کاراکتر، کلیه‌ی سطوح در حد انتزاعی باقی خواهد ماند (به نقل از شولتز، ۱۹۷۵: ۴۳۲).

به عقیده شولتز (۱۹۷۵: ۴۳۲) کاراکتر مکان از طریق بیان آن معین می‌گردد و می‌توان با مفاهیمی چون محصوریت، گشودگی، باریکی، باریکی، پهنای، تیرگی و گرفتگی، درخشندگی و ... توصیف نمود؛ کیفیت‌هایی که به طراحی و مدل‌سازی تجسمی، تناسب، ریتم، مقیاس، بعد، مصالح، بافت، و رنگ متکی‌اند.^۲

۳-۵-۱- جهت‌یابی، ادراک و شناسایی عامل درک مکان

جهت‌یابی و شناسایی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کاراکتر مکان محسوب می‌شوند و در صورت تحقق هر دو، انسان به حس مکان نایل می‌آید. جهت‌یابی در ادبیات موضوعی اخیر شهرسازی مورد توجه بسیاری قرار گرفته است؛ کوین لینچ در این زمینه مفاهیمی چون، گره، لبه، راه و محله را از عوامل مهم جهت‌یابی انسان بیان می‌کند. به نقل از شولتز (۱۹۹۶: ۴۲۳) تصور خوب محیطی، به دارنده‌ی آن حس قوی از امنیت و ایمنی عاطفی می‌دهد. همه‌ی فرهنگ‌ها ساختارهایی را که موجب تسهیل تصور محیط می‌شوند را مورد توجه قرار داده‌اند. ایجاد تصور محیطی درجایی که این ساختارها تحقق نیابد، امری بس دشوار است و انسان احساس می‌کند دچار گم‌شدگی شده است. لینچ از این حس که مانع گم‌شدگی می‌شود به‌عنوان تصورپذیری^۳ یاد می‌کند.

رپوپورت (۱۹۷۷: ۱۴۸) بیان می‌کند که جهت‌یابی به سه طریق رخ می‌دهد:

۱. از طریق توپولوژیکی به وسیله‌ی شناسایی تداوم؛
۲. از طریق طرح‌ریزی، شناسایی عناصر و قراردادن آن‌ها در چهارچوب مرجع؛
۳. از طریق تعیین جا، با استفاده از وضوح و شفافیت جهت‌ها و فاصله‌گذاری.

شناسایی و جهت‌یابی ممکن است دو امر مستقل از هم باشند و سکونت‌پذیری بیش از هر چیز مستلزم شناسایی محیط است و شناسایی به معنای الفت با محیط است، اگرچه تحقق هر دو امر لازمه‌ی رسیدن به اصل‌ترین نوع حس مکان است و حتی ممکن است شخص با محیط در الفت و دوستی باشد، و بدون آنکه به خوبی با ساختار فضایی آشنا باشد. شناسایی مکان‌ها موجب امنیت احساسی، عاطفی و لذت بردن از محیط نیز می‌گردد.^۴

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به پرتوی، پروین (۱۳۹۴) پدیدارشناسی مکان، تهران: مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، صص ۱۰۰-۱۰۸.

۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به پرتوی، پروین (۱۳۹۴) پدیدارشناسی مکان، تهران: مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، صص ۱۰۹-۱۱۳.

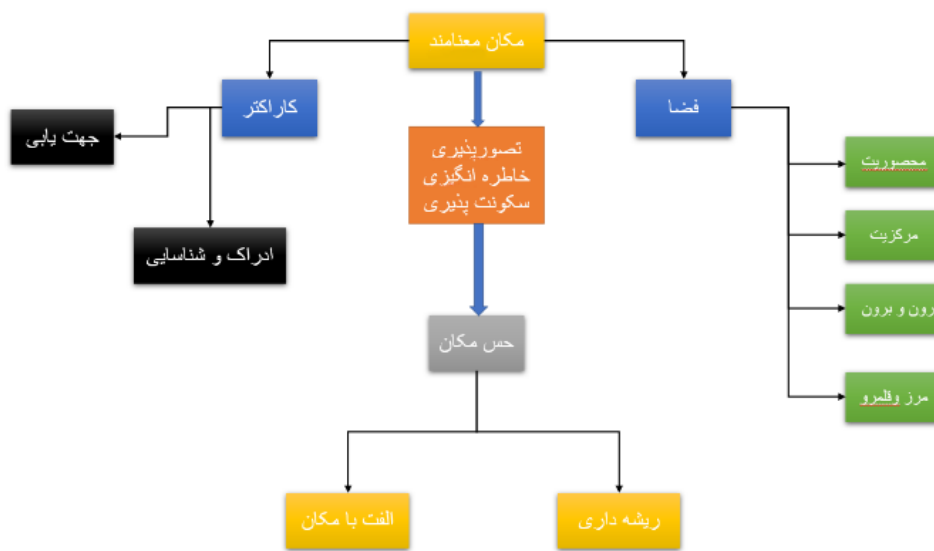
3 - Imageability

۴- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به پرتوی، پروین (۱۳۹۴) پدیدارشناسی مکان، تهران: مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، صص ۱۱۳-۱۲۰.

۳-۵-۲- حس مکان و روح مکان

حس مکان وابسته به کاراکتر مکان است. اصیل ترین نوع حس مکان زمانی رخ می دهد که شناخت از ساختار فضا کامل بوده و جهت یابی به معنای استقرار افراد در فضا زمان محقق گردد. بین حس مکان و هویت فرهنگی، ارتباط معناداری وجود دارد. حس مکان را می توان حس تعلق به محیط و حس تداوم دانست. از کاراکتر محیطی، به عنوان روح مکان تلقی می شود. لورنس دارل (به نقل از عارفی، ۱۹۹۹) در اینباره می نویسد: «همانگونه که به آهستگی با اروپا آشنا می شوید، نوشیدنی ها و پنیرها را مزه می کنید و کاراکترهای کشورهای گوناگون را می شناسید، رفته رفته متقاعد می شوید که عامل تعیین کننده مهم در هر فرهنگی، بعد از همه این چیزها، روح مکان است». مفهوم حس مکان، به عقیده ی عارفی (۱۹۹۹) وابستگی ها و پیوستگی مردم با مکان هایشان و یا آن چه برخی آن را ساختار احساس نامیده اند، شامل می گردد.

حس مکان فاقد استحکام پیوستگی و رابطه ای است که در ریشه داری دیده می شود. ریشه داری به عنوان عملی ناخودآگاهانه، به طریقه ی گرافیکی، نیروی پیوستگی درازمدت با مکان را به رغم نابودی و محو شدن فیزیکی آن، تشریح می نماید. رلف (۱۹۷۶) معتقد است عمیق ترین نوع حس وابستگی به مکان به صورت نیمه آگاهانه به وجود می آید که طی آن انس و آشنایی به مکان، از بخش هوشیار آگاهی ها، محو می شود. شولتز (۱۹۹۶) با رویکرد پدیدارشناسانه، تعلق داشتن به مکان را به معنای برخورداری از پایگاه وجودی می داند. **تصویرپذیری، خاطره انگیزی، سکونت پذیری** از ویژگی های مکان با مفهوم در فضاهای شهری محسوب می گردد و در واقع معنای انسانی محیط است و در صورت عدم داشتن این ویژگی ها در فضاهای ساخته شده، به از خودبیگانگی انسان و نهایتاً جدایی بین انسان و محیط منجر خواهد شد.



شکل ۱- مدل مفهومی مکان معنامند

۳-۵-۲- نمونه های مورد پژوهش

- ۱- ساختمان های موجود در میدان شهرداری رشت؛
- ۲- ساختمان های موجود در سبزه میدان رشت؛
- ۳- ساختمان شهرداری رشت (میدان گیل)؛
- ۴- ساختمان استانداری رشت؛
- ۵- ساختمان ترمینال رشت؛
- ۶- ساختمان هتل کادوس.

۳-۶- یافته های پژوهش

در جدول ۱ پاسخ به خاطره انگیزی شهروندان متناسب با زمان ساخت هر کدام از بناها متفاوت است. برای مثال میدان شهرداری و سبزه میدان که دارای قدمت ساخت بیشتری است نشان دهنده ی عاملیت زمان در بروز حس مکان در آن هاست. مطابق با جدول ۲، پاسخ به خاطره انگیزی در جنسیت های گوناگون تفاوت بنیادینی مشاهده نمی شود؛ دلیل تک مفهومی بودن ساختار این مکان ها عوامل روحی روانی بر مبنای جنسیت، کمتر در شکل دادن حس مکان تاثیرگذار است.

جدول ۲- فراوانی جنسیت

| مکان خاطره انگیز | جدول فراوانی مکان خاطره انگیز بر اساس جنسیت شرکت کنندگان | | | |
|------------------------|---|---------|------------|------------|
| | جنسیت | فراوانی | درصد معتبر | درصد تجمعی |
| شهرداری | مرد | ۳۲ | ۴۵,۱ | ۴۵,۱ |
| | زن | ۳۹ | ۵۴,۹ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۷۱ | ۱۰۰,۰ | |
| سبزه میدان | مرد | ۶ | ۴۶,۲ | ۴۶,۲ |
| | زن | ۷ | ۵۳,۸ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۱۳ | ۱۰۰,۰ | |
| استاداری | مرد | ۲ | ۶۶,۷ | ۶۶,۷ |
| | زن | ۱ | ۳۳,۳ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۳ | ۱۰۰,۰ | |
| ترمیمات | مرد | ۳ | ۷۵,۰ | ۷۵,۰ |
| | زن | ۱ | ۲۵,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۴ | ۱۰۰,۰ | |
| هتل کاووس | مرد | ۷ | ۶۳,۶ | ۶۳,۶ |
| | زن | ۴ | ۳۶,۴ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۱۱ | ۱۰۰,۰ | |

جدول ۱- فراوانی سن

| مکان خاطره انگیز | جدول فراوانی مکان خاطره انگیز بر اساس سن شرکت کنندگان | | | |
|------------------------|--|---------|---------------|---------------|
| | رده سنی | فراوانی | درصد معتبر | درصد تجمعی |
| شهرداری | ۲۵-۱۸ | ۱۹ | ۲۶,۸ | ۲۶,۸ |
| | ۳۵-۲۵ | ۳۲ | ۴۵,۱ | ۷۱,۸ |
| | ۵۰-۳۵ | ۱۸ | ۲۵,۴ | ۹۷,۲ |
| | ۷۰-۵۰ | ۲ | ۲,۸ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۷۱ | ۱۰۰,۰ | |
| سبزه میدان | ۲۵-۱۸ | ۵ | ۳۸,۵ | ۳۸,۵ |
| | ۳۵-۲۵ | ۴ | ۳۰,۸ | ۶۹,۲ |
| | ۵۰-۳۵ | ۲ | ۱۵,۴ | ۸۴,۶ |
| | ۷۰-۵۰ | ۲ | ۱۵,۴ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۱۳ | ۱۰۰,۰ | |
| میدان گل | ۳۵-۲۵ | ۱ | ۵۰,۰ | ۵۰,۰ |
| | ۵۰-۳۵ | ۱ | ۵۰,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۲ | ۱۰۰,۰ | |
| استاداری | ۳۵-۲۵ | ۱ | ۳۳,۳ | ۳۳,۳ |
| | ۵۰-۳۵ | ۱ | ۳۳,۳ | ۶۶,۷ |
| | ۷۰-۵۰ | ۱ | ۳۳,۳ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۳ | ۱۰۰,۰ | |
| ترمیمات | ۲۵-۱۸ | ۱ | ۲۵,۰ | ۲۵,۰ |
| | ۵۰-۳۵ | ۲ | ۵۰,۰ | ۷۵,۰ |
| | ۷۰-۵۰ | ۲ | ۵۰,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۴ | ۱۰۰,۰ | |
| هتل کاووس | ۲۵-۱۸ | ۲ | ۱۸,۲ | ۱۸,۲ |
| | ۳۵-۲۵ | ۷ | ۶۳,۶ | ۸۱,۸ |
| | ۵۰-۳۵ | ۲ | ۱۸,۲ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۱۱ | ۱۰۰,۰ | |

در جدول ۳ محدوده‌ی سکونت شهروندان تعیین کننده‌ی قلمرو حرکتی و دیداری آن‌ها است، نشان می‌دهد کسانی که در مرکز شهر ساکن هستند بیشتر از همه به میدان شهرداری، سپس سبزه میدان به عنوان مکان خاطره‌انگیز اشاره داشته‌اند. در جدول ۴ نشان می‌دهد ریشه‌دار بودن پاسخ دهندگان در گیلان در پاسخ به میدان شهرداری و سبزه‌میدان به عنوان مکان خاطره‌انگیز نقش تعیین کننده‌ای دارد.

جدول ۵ نشان می‌دهد بیشترین پاسخ به یک مکان خاطره‌انگیز مانند میدان شهرداری بدلیل داشتن محصوریت فضایی و مرکزیت شهری و همچنین داشتن وسعت بنا، مرزهای محدوده را دورتر از حصارهای عینی آن متصور هستند. همچنین جدول ۶ نشان می‌دهد بیشتر کسانی که پاسخ به خاطره‌انگیزی یک مکان داده‌اند آن را نمادی از شهر هم معرفی کرده‌اند و البته درصد فراوانی این پاسخ در بقیه‌ی مکان‌های خاطره‌انگیز هم نشان از نمادین بودن این میدان در اذهان شرکت‌کنندگان دارد.

جدول ۳- فراوانی محدوده سکونت

| مکان خاطره انگیز | جدول فراوانی مکان خاطره انگیز بر اساس محدوده سکونت شرکت کنندگان | | | |
|------------------------|---|---------|------------|------------|
| | محدوده سکونت | فراوانی | درصد معتبر | درصد تجمعی |
| شهرداری | مرکز | ۴۵ | ۶۳,۴ | ۶۳,۴ |
| | حاشیه | ۸ | ۱۱,۳ | ۷۴,۶ |
| | خارج | ۱۸ | ۲۵,۴ | ۱۰۰,۰ |
| سبزه میدان | جمع کل | ۷۱ | ۱۰۰,۰ | |
| | مرکز | ۷ | ۶۹,۲ | ۵۳,۸ |
| | حاشیه | ۲ | ۳۰,۸ | ۶۹,۲ |
| میدان گیل | خارج | ۴ | ۱۰۰,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۱۳ | ۵۰,۰ | |
| | مرکز | ۱ | ۵۰,۰ | ۵۰,۰ |
| استانداری | حاشیه | ۱ | ۱۰۰,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۲ | ۱۰۰,۰ | |
| | مرکز | ۲ | ۶۶,۷ | ۶۶,۷ |
| ترمینال | حاشیه | ۱ | ۳۳,۳ | ۱۰۰,۰ |
| | خارج | ۳ | ۱۰۰,۰ | |
| | مرکز | ۱ | ۲۵,۰ | ۲۵,۰ |
| ترمینال | حاشیه | ۱ | ۲۵,۰ | ۵۰,۰ |
| | خارج | ۲ | ۵۰,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۴ | ۱۰۰,۰ | |
| هتل کادوس | مرکز | ۵ | ۴۵,۵ | ۴۵,۵ |
| | حاشیه | ۳ | ۲۷,۳ | ۷۲,۷ |
| | خارج | ۳ | ۲۷,۳ | ۱۰۰,۰ |
| هتل کادوس | جمع کل | ۱۱ | ۱۰۰,۰ | |

جدول ۴- فراوانی ریشه داری

| مکان خاطره انگیز | جدول فراوانی مکان خاطره انگیز بر اساس اهل گیلان بودن یا نبودن | | | |
|------------------------|---|---------|------------|------------|
| | ریشه داری | فراوانی | درصد معتبر | درصد تجمعی |
| شهرداری | بله | ۵۰ | ۷۰,۴ | ۷۰,۴ |
| | خیر | ۲۱ | ۲۹,۶ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۷۱ | ۱۰۰,۰ | |
| سبزه میدان | بله | ۹ | ۶۹,۲ | ۶۹,۲ |
| | خیر | ۴ | ۳۰,۸ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۱۳ | ۱۰۰,۰ | |
| میدان گیل | بله | ۱ | ۵۰,۰ | ۵۰,۰ |
| | خیر | ۱ | ۵۰,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۲ | ۱۰۰,۰ | |
| استانداری | بله | ۳ | ۱۰۰,۰ | ۱۰۰,۰ |
| ترمینال | بله | ۳ | ۷۵,۰ | ۷۵,۰ |
| | خیر | ۱ | ۲۵,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۴ | ۱۰۰,۰ | |
| هتل کادوس | بله | ۸ | ۷۲,۷ | ۷۲,۷ |
| | خیر | ۳ | ۲۷,۳ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۱۱ | ۱۰۰,۰ | |

جدول ۵- فراوانی تاثیر محصوریت و مرکزیت و دیالکتیک

| مکان خاطره انگیز | جدول فراوانی مکان خاطره انگیز بر اساس محدوده سکونت شرکت کنندگان | | | |
|------------------------|---|---------|------------|------------|
| | محدوده سکونت | فراوانی | درصد معتبر | درصد تجمعی |
| شهرداری | شهرداری | ۵۰ | ۷۰,۴ | ۷۰,۴ |
| | سبزه میدان | ۹ | ۱۲,۷ | ۸۳,۱ |
| | میدان گیل | ۱ | ۱,۴ | ۸۴,۵ |
| | استانداری | ۳ | ۴,۲ | ۸۸,۷ |
| | هتل کادوس | ۸ | ۱۱,۳ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۷۱ | ۱۰۰,۰ | |
| سبزه میدان | شهرداری | ۴ | ۳۰,۸ | ۳۰,۸ |
| | سبزه میدان | ۷ | ۵۳,۸ | ۸۴,۶ |
| | هتل کادوس | ۲ | ۱۵,۴ | ۱۰۰,۰ |
| میدان گیل | جمع کل | ۱۳ | ۱۰۰,۰ | |
| | میدان گیل | ۱ | ۵۰,۰ | ۵۰,۰ |
| | ترمینال | ۲ | ۵۰,۰ | ۱۰۰,۰ |
| استانداری | جمع کل | ۲ | ۱۰۰,۰ | |
| | شهرداری | ۱ | ۶۶,۷ | ۶۶,۷ |
| | ترمینال | ۲ | ۳۳,۳ | ۱۰۰,۰ |
| ترمینال | جمع کل | ۳ | ۱۰۰,۰ | |
| | ترمینال | ۴ | ۱۰۰,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | شهرداری | ۴ | ۳۶,۴ | ۳۶,۴ |

جدول ۶- فراوانی نمادی از شهر

| مکان خاطره انگیز | جدول فراوانی مکان خاطره انگیز بر اساس نمادین بودن مکان | | | |
|------------------------|--|---------|------------|------------|
| | نمادشهر | فراوانی | درصد معتبر | درصد تجمعی |
| شهرداری | شهرداری | ۶۵ | ۹۱,۵ | ۹۱,۵ |
| | سبزه میدان | ۳ | ۴,۲ | ۹۵,۸ |
| | میدان گیل | ۱ | ۱,۴ | ۹۷,۲ |
| | هتل کادوس | ۲ | ۲,۸ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۷۱ | ۱۰۰,۰ | |
| سبزه میدان | شهرداری | ۸ | ۶۱,۵ | ۶۱,۵ |
| | سبزه میدان | ۵ | ۳۸,۵ | ۱۰۰,۰ |
| میدان گیل | جمع کل | ۱۳ | ۱۰۰,۰ | |
| | شهرداری | ۱ | ۵۰,۰ | ۵۰,۰ |
| استانداری | استانداری | ۱ | ۵۰,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۲ | ۱۰۰,۰ | |
| | شهرداری | ۲ | ۶۶,۷ | ۶۶,۷ |
| ترمینال | میدان گیل | ۱ | ۳۳,۳ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۳ | ۱۰۰,۰ | |
| | میدان گیل | ۱ | ۲۵,۰ | ۲۵,۰ |
| | سبزه میدان | ۲ | ۵۰,۰ | ۷۵,۰ |
| ترمینال | هتل کادوس | ۱ | ۲۵,۰ | ۱۰۰,۰ |
| | جمع کل | ۴ | ۱۰۰,۰ | |

| | | | | | | | | | |
|-----------|------------|----|-------|-------|------------|-----------|------|------|-------|
| هتل کادوس | شهرداری | ۷ | ۶۳٫۶ | ۶۳٫۶ | سبزه میدان | ۳ | ۲۷٫۳ | ۶۳٫۶ | |
| | سبزه میدان | ۱ | ۹٫۱ | ۷۲٫۷ | | ترمینال | ۱ | ۹٫۱ | ۷۲٫۷ |
| | میدان گیل | ۲ | ۱۸٫۲ | ۹۰٫۹ | | هتل کادوس | ۳ | ۲۷٫۳ | ۱۰۰٫۰ |
| | هتل کادوس | ۱ | ۹٫۱ | ۱۰۰٫۰ | | جمع کل | ۱۱ | | |
| | جمع کل | ۱۱ | ۱۰۰٫۰ | | | | | | |

جدول ۷- فراوانی مسیر رفت و آمد

| مکان خاطره انگیز | جدول فراوانی مکان خاطره انگیز براساس مسیر رفت و آمد | | | |
|---------------------|---|---------|------------|------------|
| | پاسخ | فراوانی | درصد معتبر | درصد تجمعی |
| شهرداری | شهرداری | ۲۵ | ۲۵٫۲ | ۳۵٫۲ |
| | سبزه میدان | ۴ | ۵٫۶ | ۴۰٫۸ |
| | میدان گیل | ۹ | ۱۲٫۷ | ۵۳٫۵ |
| | استانداری | ۱ | ۱٫۴ | ۵۴٫۹ |
| | ترمینال | ۶ | ۸٫۵ | ۶۳٫۴ |
| | هتل کادوس | ۲۳ | ۳۲٫۴ | ۹۵٫۸ |
| | هیچکدام | ۳ | ۴٫۲ | ۱۰۰٫۰ |
| | جمع کل | ۷۱ | ۱۰۰٫۰ | |
| سبزه میدان | شهرداری | ۲ | ۱۵٫۴ | ۱۵٫۴ |
| | سبزه میدان | ۴ | ۳۰٫۸ | ۴۶٫۲ |
| | میدان گیل | ۳ | ۲۳٫۱ | ۶۹٫۲ |
| | استانداری | ۲ | ۱۵٫۴ | ۸۴٫۶ |
| | ترمینال | ۱ | ۷٫۷ | ۹۲٫۳ |
| | هتل کادوس | ۱ | ۷٫۷ | ۱۰۰٫۰ |
| | جمع کل | ۱۳ | ۱۰۰٫۰ | |
| میدان گیل | شهرداری | ۱ | ۵۰٫۰ | ۵۰٫۰ |
| | سبزه میدان | ۱ | ۵۰٫۰ | ۱۰۰٫۰ |
| | جمع کل | ۲ | ۱۰۰٫۰ | |
| استانداری | میدان گیل | ۱ | ۳۳٫۳ | ۳۳٫۳ |
| | استانداری | ۱ | ۳۳٫۳ | ۶۶٫۷ |
| | هتل کادوس | ۱ | ۳۳٫۳ | ۱۰۰٫۰ |
| | جمع کل | ۳ | ۱۰۰٫۰ | |
| ترمینال | شهرداری | ۱ | ۲۵٫۰ | ۲۵٫۰ |
| | میدان گیل | ۱ | ۲۵٫۰ | ۵۰٫۰ |
| | ترمینال | ۲ | ۵۰٫۰ | ۱۰۰٫۰ |
| | جمع کل | ۴ | ۱۰۰٫۰ | |
| هتل کادوس | شهرداری | ۱ | ۹٫۱ | ۹٫۱ |
| | میدان گیل | ۱ | ۹٫۱ | ۱۸٫۲ |
| | استانداری | ۲ | ۱۸٫۲ | ۳۶٫۴ |
| | ترمینال | ۲ | ۱۸٫۲ | ۵۴٫۵ |
| | هتل کادوس | ۳ | ۲۷٫۳ | ۸۱٫۸ |
| | هیچکدام | ۲ | ۱۸٫۲ | ۱۰۰٫۰ |
| | جمع کل | ۱۱ | ۱۰۰٫۰ | |

جدول ۷ نشان می‌دهد منظر شهری در شکل‌گیری مکان خاطره‌انگیز در بستر زمان برای ساختمان‌های با قدمت طولانی و بدون هویت‌های بصری به صورت محدود تاثیرگذار است ولی عمومیت ندارد؛ به‌طوری‌که بیشتر کسانی که از مسیر رفت و آمد آن‌ها از نزدیکی هتل کادوس بوده، به میدان شهرداری به عنوان مکان خاطره‌انگیز پاسخ داده‌اند.

۴- جمع بندی

بیشتر پاسخ‌دهندگان ساختمان‌های موجود در دو میدان عمومی مهم شهر رشت را به عنوان مکان خاطره‌انگیز معرفی کرده‌اند و باقی پاسخ‌دهندگان بیشتر به دلیل قرارگیری در منظر و مسیر پیش آمده، پاسخ به خاطره‌انگیزی مکان‌ها داده‌اند. می‌توان نتیجه گرفت در قلمرو و منظر بودن از مهم‌ترین ویژگی‌های تشکیل مفهوم مکان در فضاهای عمومی شهری است که با گذر زمان تصویرپذیری از یک مکان را بعنوان اولین کنش در ذهن شهروندان تداعی می‌کند، اگرچه میدان شهرداری بدلیل مرکزیت بیشتر محصوریت و داشتن مرز تا آن سوی حصارهای واقعی خود و نمادین بودن، در ذهن پاسخ‌دهندگان، خاطره‌انگیزتر است. ساختمان شهرداری جدید واقع در میدان گیل که در خروجی شهر رشت قرار دارد، بدلیل معماری خاص و مفهومی، در منظر ناظرین اهمیت دارد، ولی بدلیل عدم مرکزیت و نبودن در مسیر رفت و آمد روزانه‌ی مهم شهروندان و تازه ساخت بودن (محوریت زمان) و عدم دسترسی عمومی و دارا نبودن کاراکتر ویژه، از حس خاطره‌انگیزی در خوری نزد پاسخ‌دهندگان برخوردار نیست. ساختمان هتل کادوس بدلیل داشتن کاراکتر با ویژگی‌هایی سازگار با عموم و در مسیر رفت و آمد شهروندان بودن و قرار گیری تقریبی در مرکز شهر، از حس خاطره‌انگیزی بیشتری نسبت به ساختمان شهرداری میدان گیل و ساختمان استانداری برخوردار است و ساختمان ترمینال رشت هم برای کسانی که رفت و آمدهای برون شهری دارند، در همین اندازه حس خاطره‌انگیزی دارد. حال این سوال مطرح می‌گردد که، با توجه به اینکه معماری برخی ساختمان‌های دارای حس خاطره‌انگیزی مانند شهرداری رشت که دارای ماهیت معماری بومی و مفهومی نیستند چرا در مقابل معماری‌های مفهومی‌تر، مانند ساختمان شهرداری میدان گیل که در آن از نمادهای تاریخی و هویتی استفاده شده، در نزد شهروندان پاسخ‌دهنده به پرسش، دارای حس خاطره‌انگیزی بیشتری است؟ پاسخ به این مسأله مربوط به عاملیت مفهوم زمان است. عمر ساختمان‌های شهرداری مرکزی و نمادین بودن و مرکزیت و داشتن عملکردهای شهری، در ذهن شهروندان این مکان را در مقابل یک معماری با شاخصه‌های مکانی، مفهومی بیشتر مانند شهرداری میدان گیل، خاطره‌انگیز تر جلوه داده و البته دلیل رجحان معماری بی کیفیت شهرداری مرکزی در ایجاد حس خاطره‌انگیزی، می‌تواند وجود ماهیت سرعت در زندگی انسان‌ها در روزگار کنونی باشد که یک عملکرد شهری را به یک مکان با مفهوم، که منحط در روح زمان مدرن است مبدل می‌نماید. ساختمان شهرداری مرکزی رشت اگرچه دارای معماری عملکردی و فاقد معناست، بدلیل قابلیت تطبیق عملکرد در دوره‌های مختلف تاریخی، در ذهن شهروندان مبدل به یک مکان با مفهوم شده که خاطره‌های جمعی و فردی را برای بسیاری در سطح استان و شهر شکل می‌دهد، که نشان از به تاریخ سپرده شدن معماری مدرن نیز دارد و نشان می‌دهد که معماری مدرن بخشی از هویت و سنت تاریخی معاصر رشت است. در مصاحبه، جوانان بیشترین پاسخ‌دهندگان به این سبک از معماری، به عنوان مکان خاطره‌انگیز هستند که با توجه به معاصریت با جهان پس از مدرن و ارزشمندی وجود معنا در فضاهای زیستی شهری در این دوران، نشان از مطابقت بیش نسل‌های نو با جهان کنونی دارد. بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه مشخص می‌گردد عامل زمان حضور ناظر در شهر رشت (سکنی گزیدن) و مسیر رفت و آمد او و نمادین بودن مکان (از ویژگی‌های مفهومی مکان در جهان مدرن) مورد نظر، بدلیل حضور در مرکز شهر که مسیر رفت و آمد عمومی محسوب می‌گردد نقش تعیین کننده‌ای در انتخاب مکان به عنوان، مکانی خاطره‌انگیز دارد.

۵- نتیجه گیری

براساس عملکردهای ذهن انسان در بخاطر سپردن یک فضا به عنوان مکان و هویت‌سازی از این فضا به عنوان مکان، فضا می‌باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد تا خاطرات جمعی و فردی در آن شکل گیرد. در مسیر و قلمرو بودن و در راه و محور دید و عبور و مرور بودن یا در مرکز فعالیت اجتماعی و شهری بودن و همچنین دارا بودن کاراکترهای طبیعی و مصنوع و تاریخی و بومی و همساز با ذهن شهروندان و حتی محصوریت یک فضای خالی و بدون عملکرد خاص، می‌تواند به مکانی هویت بخشیده و آن را خاطره‌انگیز کند. در واقع با پاسخ دادن به این سوال توسط مردم که، کدامیک از این مکان‌ها در آن‌ها، حس خاطره ایجاد کرده‌اند یا نه؟ به طور مشخص برای پاسخ به خاطره‌انگیز بودن هر کدام از بناها کافی نیست، بلکه لازم است، اطلاعات فردی اشخاص، مسیر رفت و آمد، محدوده سنی، جنسیت و میزان زمان حضور ناظر در شهر و دلایل آن‌ها از پاسخ‌های مثبت و منفی مورد ارزیابی قرار گیرد. سوالاتی که برای این مصاحبه نیمه ساخت دار طراحی شده، براساس قلمرو، محصوریت، مرکزیت، کاراکتر (جهت یابی و شناسایی به عنوان عامل درک) می‌باشند و پاسخ درست‌تر می‌تواند علاوه بر تاثیر ویژگی‌های مکان، نتیجه‌ی تاثیر ویژگی‌های فردی هریک از پاسخ‌دهندگان نیز باشد. نقش ویژگی‌های مکان در معماری مدرن که دارای هویت عملکردگرا و کمی و فاقد کیفیت تاریخی و معنایی خاصی است، وابسته به زمان است و این دو عامل (ویژگی‌های مکان و عملکرد در زمان) بصورت یکپارچه در شکل‌گیری هویت مکانی بنای مدرن دخیل‌اند. البته ارتباط مابین این دو عامل در شکل‌دهی مفهوم مکان در معماری مدرن بصورت علی است و عدم وجود هریک، موجب عدم شکل‌گیری مفهوم مکان می‌گردد، به طوری که اگر بنای مدرن، در طول زمان، عدم تطبیق عملکردی با زمان حال داشته باشد ممکن است به بنایی خاطره‌انگیز و با مفهوم مبدل نگردد و صرفاً، یک بنای بی‌مفهوم در قلمرو رفت و آمد شهروندان باشد. عامل زمان، هم‌زمان هم بر ناظر و هم بر بنا در شکل‌گیری مفهوم تاثیر گذار است. آنچه مشهود است، نقش عملکرد و کاراکتر، قلمرو حرکت، احساس محصوریت و مرکزیت نقش فزاینده‌ای در تعیین حس خاطره‌انگیزی در ذهن پاسخ

دهندگان دارد و بدلیل پذیرش ذهنی مخاطبان، معماری مدرن بدلیل حضور در زمان طولانی در رشت، به عنوان بخشی از خاطرات مردم رشت محسوب می‌گردد و البته این مساله مشخصاً بدلیل ویژگی‌های ذاتی بناهای مدرن نیست، بلکه بدلیل وجود عملکردهای شهری در گذر زمان است که مفهوم مکان، به خود گرفته است. می‌توان نتیجه گرفت اگرچه معماری مدرن کمی گرا و فاقد کیفیت‌های جزئی و معنایی است، در برخی موارد که سرعت در زندگی انسان‌ها نقش تعیین‌کننده‌تری دارد می‌تواند عملکرد خود را به عنوان مفهومی از مکان به مخاطبان تحمیل کند. ماهیت عملکردی معماری مدرن و گرفتن نقش‌های متفاوت در عملکرد، در گذر زمان، بنا را به یک مکان تبدیل کرده که داری روح و حس مکان نیز می‌باشد. خاطره‌انگیزی برای ساختمان‌هایی که در دوران مدرن ساخته شده‌اند بصورت خوشبینانه، نشان از پذیرش مفاهیم مدرن در حافظه‌ی تاریخی بهره‌وران دارد و به صورت بدبینانه، حاکی از تحمیل روح جهان مدرن بر بهره‌وران تلقی می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت که در جهان مدرن بدلیل داشتن ماهیت نوین و گسترده و متفاوت نسبت به جهان سنت، خالی‌ترین بناها از مفهوم، می‌تواند در بستر مدنیت نوین، هم دارای روح مکان و هم دارای حس مکان باشد و البته این مساله را در ما روشن می‌سازد که با شکل‌گیری جهان پسامدرن، چشم بسته به نقد دنیای مدرن و معماری مدرن نپردازیم و هر جهانی را با ویژگی‌های زیستی همان جهان بسنجیم. پذیرش سوژه مدرن در شهروندان و وجود عاملیت زمان در طراحی فضاهای شهری، ارجحیت آن را بر الگوبرداری از سنت‌های نو و معاصر در برابر گزینشی از سنت‌های کهنه و غیر مطابق با دوران کنونی تأیید می‌نماید. بدین گونه ملزم به کپی‌برداری و الگوبرداری از معماری زمینه‌گرایانه و منطقه‌گرا نیستیم؛ بلکه با در نظر گرفتن سنت‌های تاریخی (معاصر و کهنه) در منطقه‌ی جغرافیایی فعلی خللی در سیر تاریخی و فرهنگی منطقه وارد نخواهد گردید و اصالت بناها و منظر فضاهای شهری حفظ خواهد شد و پیوستگی تاریخی حفظ خواهد شد.

منابع

- ۱- احمدی، بابک، (۱۳۸۱)، هایدگر و تاریخ هستی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- ۲- احمدی، بابک، (۱۳۸۱)، هایدگر و پرسش بنیادین، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- ۳- پرتوی، پروین، (۱۳۸۲)، مقاله مکان و بی‌مکانی رویکرد پدیدارشناسانه، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۴، تابستان.
- ۴- پرتوی، پروین، (۱۳۹۴)، پدیدارشناسی مکان، چاپ دوم، تهران: موسسه تالیف ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- ۵- ریخته‌گران، محمدرضا، (۱۳۸۰)، پدیدارشناسی و فلسفه‌ی آگزیستانس، تهران: موسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- ۶- شیرازی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، مقاله جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط، مجله آرمانشهر.
- ۷- مدنی پور، علی، (۱۳۷۹)، طراحی فضای شهری نگرشی برفرآیندی اجتماعی و مکانی (ترجمه فرهاد مرتضایی)، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی.
- ۸- نوربری شولتز، کریستیان، (۱۳۸۰)، تفکرهای دیگر در معماری (ترجمه نیر طهوری)، نشریه معمار، شماره ۱۲.
- 9- Relph, Edward (1976) place and placelessness, london: piton.
- 10- Seamon, D. (1982), The Phenomenological Contribution to Environmental Psychology. in the Journal of Environmental Psychology, 2: 119-140.
- 11- Steele, Fritz (1981), The Sense of Place, CBI Publishing Company, Boston.
- 12- Rapoport, Amos (1977) Human Aspects of Urban Form: Towards a Man Environment Approach to Urban Form and Design.
- 13- Norberg-Schulz, Christian, Meaning in Western Architecture Rizzoli, New York.
- 14- Norberg-Schulz, C. (1974), Meaning in Western Architecture. New York: Rizzoli.
- 15- In wood, Michael. (1999). A Heidegger, Dictionary. UK: Blackwell Publisher Ltd.

